

سال دوم

جلسه ۳۰

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

چهارشنبه ۹۰ / ۸ / ۱۸

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند
حرفی نتند
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند
حرفی نتند
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

نظریه اول:
نظریه مرحوم نائینی

نقد دلیل دوم / ۲

ممکن نیست یک کلام از حرف و اسم تشکیل شود
پس : در «یا زید»، یک کلمه مقدر است: «ادعو زیداً»

در «ادعوا زیداً» دو نسبت موجود است:

۱. «نسبت صدوری» که بین فاعل ادعو و دعوت است (من می خوانم)
۲. «نسبت مدعویه» که بین دعوت و کسی که خوانده شده است (بین دعوت و زید)

«یا» بر این نسبت «مدعویه» دلالت می کند

اشکال مرحوم
بجنوردی

نقد دلیل دوم / ۲

اشکال مرحوم
بجنوردی

انشایی بودن «یا زید»

هیچ فرقی با «انشائی بودن» جمله های انشائی دیگر (مثل استفهام، امر، نهی) ندارد

در همه قضایا :

یک «جمله معقوله» داریم و یک «جمله ملفوظه»

این جمله ملفوظه، مطابق با جمله معقوله است / تا هنگامیکه در ذهن،
جمله معقوله پدید نیاید، ما نمی توانیم «قضیه ملفوظه» را پدید آوریم

از این جهت، فرقی بین قضایای انشائیه و قضایای اخباریه وجود ندارد

پس : اجزاء قضایای ملفوظه همیشه حاکی از اجزای قضایای معقوله است

باید توجه داشت تقسیم قضیه به «اخباریه و انشائیه»، با عنایت به این
«حکایت گری» نیست :

اگر : قضیه نسبت به خارج هم حکایت گری داشت، «اخباری» است

اگر : نسبت به عالم خارج، ایجاد بود، قضیه «انشائی» است

دلیل :

نقد دلیل دوم / ۲

۱. «یا زید» همان «ادعو زیداً» است

۲. همه قضایا باید مطابق با «قضیه معقوله» باشند

۳. پس هر چه در قضایای ملفوظه است (نسبت + مسند + مسند الیه) حاکی از قضیه «معقوله» است

۴. قضیه ملفوظه علاوه بر این حکایت گری :
گاه «حکایت گر» از خارج است و گاه «موجد» معنایی در خارج است

همسانی «یا زید» با «ادعو زیداً» را قبول نداشته باشد
(چنانکه نمی توانید «ادعو» که مقدر است را آشکار سازید)

همچنانکه می تواند بگوید :
لازم نیست همه جا در عداد قضیه ملفوظه، قضیه معقوله ای باشد

قوام اشکال
مرحوم
بجنوردی

ما می گوئیم

مرحوم
نائینی
می تواند
بگوید:

نقد دلیل دوم / ۳

اگر پذیرفتیم که «یا» ایجاد است،
چرا باید بپذیریم که بقیه حروف هم اینگونه هستند؟

نقد دلیل سوم

در عالم خارج : «وجود رابط»، «جوهر و عرض» را به هم پیوند می دهد
در قضیه معقوله : «وجود رابط ذهنی»، «مفاهیم مستقل» را به هم پیوند داده می شوند

متکلم وقتی می خواهد قضیه معقوله را به زبان آورد:
مفاهیم «استقلالی» را تصور می کند + الفاظ معادل آنها را بر زبان جاری می کند.
در حالی که : در «قضیه ذهنیه»، وجود رابط مفاهیم مستقل را به هم پیوند داده است

اشکال مرحوم
بجنوردی

در قضیه ملفوظه:

۱. اسماء : بر «مفاهیم مستقل اسمی» دلالت می کنند
۲. حروف : بر آن «نسبت هایی» که در قضیه معقوله وجود دارد دلالت می کنند

نقد دلیل سوم

۱. در عالم خارج :

اگر : «زید» به تنهایی موجود باشد و «قیام» وجودی مستقل داشته باشد
= نمی توانیم به هیچ وسیله بین آنها ربط ایجاد کنیم.

۲. در عالم ذهن :

اگر : مفهوم «زید» و مفهوم «قائم» به طور مستقل لحاظ شود
= ما نمی توانیم آنها را به هم پیوند دهیم.

۱. در خارج : «زید القائم» موجود است

۲. در ذهن : هم «زید» و هم «زید القائم» را می توان لحاظ کرد.

ولی : اگر زید را مستقل لحاظ کردیم دیگر نمی توانیم آن را به «قائم» پیوند زنیم.
پس : آنچه در ذهن داریم، «زید القائم» است

ما در مقام «تفهیم و تفهّم» : به ازای مفهوم زید، به اعتبار «مفهوم قائم»، لفظ داریم
ولی : به ازای «زید القائم» مفهوم نداریم.

در اینجا : از مفهوم زید و مفهوم قائم و حروف و نسب و هیأت استفاده می کنیم که
آن مفهوم مرکب را بیان دارد

نظر مرحوم
بجنوردی
در نحوه
وجود ذهنی

نقد دلیل سوم

آن معنایی که در ذهن پدید آمده:

۱. اگر با معنای دیگر مرتبط است :

= نمی توان این ارتباط را ایجاد کرد چراکه «تحصیل حاصل» است

۲. اگر مرتبط نیست:

= نمی توان ارتباط را ایجاد کرد چراکه «انقلاب شی عمّا هو علیه» است

البته نفس می تواند:

هم معنا را مستقل و هم مرتبط، لحاظ کند

کلام مرحوم
عراقی

نقد دلیل سوم

در عالم خارج :

اگر جوهر و عرض از هم جدا بودند = می توانند بر هم عارض شوند

مثلاً : اگر زید در «دار» نبود می تواند داخل دار شود

اینکه : در عالم ذهن ما یک مفهوم «زید» داریم که اگر خواست به «زید القائم» تبدیل شود، ذهن مفهوم جدیدی را پدید می آورد، کلام کاملی نیست!

چراکه : ذهن به «اتحاد دو مفهوم با یکدیگر» حکم می کند و این حکم نفس است که ما به ازای حروف و هیأت است

کلام محقق عراقی و مرحوم بجنوردی، کامل نیست.

اگرچه کلام مرحوم نائینی نیز صحیح نیست

ما می گوئیم